



## همسوئی با کدام طرف؟ ایران یا آمریکا؟

منصور حکمت

در این نوشته، منصور حکمت، به سوالاتی پاسخ میدهد که در شرایط احتمال عمل نظامی آمریکا و یا تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی، اساساً از جانب طیفهای مختلف اپوزیسیون بورژوائی و در کردورهای سازمانهای "چپ سابق"، که متأسفانه به نظر میرسد رهبری جدید حزب کمونیست کارگری با سرعتی خیره کننده هم زمان به جرگه هر دوی آنها پیوسته است، طرح شده اند. منصور حکمت این مقاله را در اوت سال ۱۹۹۳ برای انترناسیونال هفتگی شماره ۷ نوشته است، اما احکام این نوشته در سال ۲۰۰۶ برای اتخاذ یک موضع مسئولانه و سیاسی در قبال خطری که با "بحران اتمی"، و یا به گفته کورش مدرسی بحران به بهانه اتمی، و تشنج روابط بین دولت آمریکا و جمهوری اسلامی بالای سر جامعه ایران اویزان است، قابل تامل اند. ایرج فرزاد

امکان اعمال منگنه اقتصادی و یا عمل نظامی علیه جمهوری اسلامی از جانب آمریکا، مشغله ها، عواطف و الفاظ کهنه ای را دوباره در اپوزیسیون بورژوائی باب کرده است. برای برخی این حکم سرنگونی قریب الوقوع رژیم محسوب میشود. سوال قدیمی "همسویی با کدام طرف" باز در



## نه شیعه نه سنی، هویت فقط یک هویت انسانی

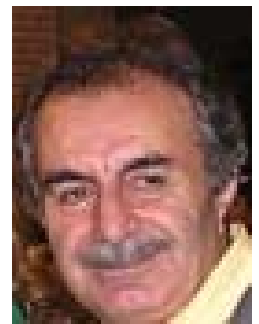
مصاحبه سمیر عادل، رئیس کنگره آزادی عراق با شماره ۴ نشریه کمونیست انگلیسی



## انتخابات اسرائیل:

### تثبیت تشتت در هیات حاکمه

اسرائیل بود تا بر سر این و آن سیاست احزاب در قبال صلح و مساله فلسطین، یا فلان و بهمان پلاتفرم اجتماعی - اقتصادی راست و چپ؛ گرچه این مسائل سیاسی و اجتماعی، کانال مادی ناگزیری بود که تجدید آرایش احزاب در جریان انتخابات، مبیایست از مسیر آن میگذشت.



فاتح شیخ

fateh\_sh@yahoo.com

ده سال پیش، انتخاباتی که نتانیا هو را بدنبال ترور اسحاق رابین سر کار آورد، اینطور نبود. در آن موقع (سه سال پس از قرارداد اسلو)

انتخابات ۲۸ مارس اسرائیل، در واقع بر سر خود تجدید آرایش احزاب سیاسی در هیات حاکمه

صفحه ۲

## اتحاد دانشجو - کارگر

جمال کمانگر

### در اعتراضات اخیر فرانسه



## قابل توجه خوانندگان!

بخش سوم سلسله مقالات کورش

مدرسی تحت عنوان:

بحران هسته ای، یا بحران به بهانه

هسته ای

در شماره آینده کمونیست منتشر

خواهد شد.

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## هسوئی با کدام طرف؟



بخت آزمایی جدید، نه سرنگون کردن آن. مفروضات مشترکی ذهن همان دستهایی که قرار اکثر اینها را شکل داده است. اگر بناست حقیقتی بکوبند، زیر بغلش را هم روشن شود باید این مفروضات را شکست.

برخلاف تصور اکثر این جریانات:

- آمریکا و غرب قصد سرنگونی رژیم را ندارند. بیشک نقض حقوق بشر و جنایات رژیم علیه مردم، دغدغه آمریکا نیست. اما مساله بر سر تروریسم رژیم اسلامی و یا خطر دستیابی آن به سلاح هسته ای هم نیست. جمهوری اسلامی و هیولای "بنیادگرایی اسلامی" به دلائل کاملاً قابل درک فعلاً کاندید بعدی پست امپراطوری شر و آنتی تز مدنیت غربی است که با سقوط شوروی خالی مانده. ثبات سیاسی و اجتناب از اصطکاک نظامی در غرب و جهان صنعتی، علی‌رغم جنگ اوج گیرنده تجاری، و وجود فرجه ای برای رهبری آمریکا بعنوان ابر قدرت نظامی چنین دشمن استراتژیکی را ایجاب میکند. آنچه امروز در دستور غرب است، علم کردن جمهوری اسلامی در این ظرفیت جدید است و

ما برای سرنگونی رژیم اسلامی و علیه برقراری نظم نوین ارتجاعی در سطح جهانی هر دو مبارزه میکنیم. برای کمونیسم کارگری تنها یک "همسویی" ممکن است و آن با منفعت انقلاب کارگری و امر آزادی است.

### انتخابات اسرائیل:

از صفحه اول

راست لیکود این بود که:

(۱) راه صلح و تشکیل دولت فلسطین سد شود؛ و

(۲) "ریاضت اقتصادی" بر کارگران و مردم اسرائیل تحمیل شود.

پیامدهای پیروزی راست در آن انتخابات، هنوز بر سیاست اسرائیل حاکم است. حتی یک دوره برد

حزب کارگر به رهبری اهود باراک هم تغییری ایجاد نکرد.

اکنون اوضاع فرق میکند. ده سال پس از پیروزی لیکود، که قطار صلح را از ریل خارج کرد، این حزب در انتخابات اخیر چنان شکست خورده که میتوان گفت برای همیشه رهبری راست اسرائیل را از دست داده است. طی چند سال اخیر سیاست راست افراطی بدست شارون و حمایت بوش به اوج فاشیستی خود رسید و در برابر واقعیات سیاسی و اجتماعی اسرائیل و منطقه به بن بست خورد. فاشیسم شارون در قبال صلح و مساله فلسطین، نه تنها برای مردم اسرائیل امنیت به ارمان نیاورد، بر ناامنی افزود و به رشد متقابل فاشیسم حماس در فلسطین میدان داد. سیاست "ریاضت اقتصادی" اش در تعرض به معیشت طبقه کارگر هم با واکنش اعتراضی و اعتصابات وسیع کارگری روبرو شد و به "امیر پرز" رهبر چپگرای سندیگای "هیستادروت" امکان داد که شیمون پرز را از رهبری حزب کارگر کنار بزند.

شارون ناچار شد سیاست فاشیستی اش را تعدیل کند و به موقعیتی "مناسب" عقب بنشیند. خروج از حزب لیکود و تشکیل حزب راست میانه "کادیمه" راه خروج از بن بست بود که خود به هیات حاکمه اسرائیل تحمیل کرده بود. با این کار اما در عین حال بزرگترین حزب راست تاریخ اسرائیل را منزوی میکرد. حزب راست میانه کادیمه با گرد آوردن "میانه رو"های هر دو حزب لیکود و کارگر قرار است خلا رهبری راست را در هیات

حاکمه اسرائیل پر کند. برد انتخاباتی ضعیف کادیمه نشان داد که این احتمال ضعیف است.

از طرف دیگر حزب کارگر با وجود شرایط مساعد نتوانست پیروز شود و "چپ" هیات حاکمه همچنان در موقعیت اپوزیسیون باقی ماند. انتخابات ۲۸ مارس برنده قطعی نداشت، تشتت در هیات حاکمه اسرائیل را تثبیت کرد. حزب کادیمه با بدست گرفتن سیاست "صلح در برابر زمین" و طرح یک پلاتفرم رقیق اصلاحات در تلاش است که فرش از زیر پای رهبری "چپ" حزب کارگر بیرون بکشد. آیا در این تلاش موفق خواهد شد؟ یا اینکه انتخابات "پیش از موعد" دیگری بدنبال خواهد آمد؟ قدر مسلم اینست که اوضاع کنونی، بروزات بحرانی سیاسی و اقتصادی است که گریبان بورژوازی حاکم بر اسرائیل را گرفته است.

انشعاب شارون و بعدا کنار رفتنش از صحنه سیاست اسرائیل، همزمان با انتخاب "امیر پرز" به رهبری حزب کارگر، انتخابات اخیر را به یک فرصت واقعی برای پیروزی چپ، بعد از ده سال حکومت کردن و به بن بست خوردن راست افراطی در دولت اسرائیل، بدل کرد. اما پیروزی حماس در انتخابات فلسطین که خود حاصل سیاست های فاشیستی شارون بود، این فرصت را وسط راه قیچی کرد. اکنون راست و چپ در هیات حاکمه اسرائیل هر دو در یک موقعیت میانه لنگر انداخته اند و به این معنی تعیین تکلیف قطعی سیاست اسرائیل به آینده

موکول شده است. حاصل این وضعیت تا آنجا که به صلح و مساله فلسطین بر میگردد، بویژه با روی کار آمدن حماس، ادامه ابهام در پروسه صلح و تشکیل دولت فلسطین است. مادام که هر دو طرف پروسه صلح در تشتت سیاسی بسر میبرند و مادام که اوضاع جهان و منطقه، با گسترش جنگ داخلی در عراق و قلدرنمایی مجدد آمریکا به بهانه کشمکش اتمی با جمهوری اسلامی بسوی تیرگی بیشتر میرود، دورنمای صلح و تشکیل دولت فلسطین نمیتواند روشن باشد.

پیشرفت پروسه صلح اسرائیل با فلسطین و اعراب، در گرو اینست که در هر دو سوی این کشمکش، جریانات راست افراطی قومی و مذهبی نظیر لیکود و شاس و جهاد و حماس منزوی و خنثا شوند. تا آنجا که به اسرائیل و موقعیت سیاسی بعد از انتخابات بر میگردد، سوال اینست که آیا کارگران و مردم صلحدوست خواهند توانست با برجسته کردن خواست صلح و پافشاری بر مبرمیت آن و با پیشبرد مطالبات اقتصادی و اجتماعی خود، قومپرستی و فاشیسم و تحقیر دائم فلسطینیان و اعراب را که رکن اصلی ایدئولوژی دولت قومی - مذهبی اسرائیل و وجه مشترک تاکنونی هر دو قطب راست و "چپ" هیات حاکمه بوده است، به انزوا بکشانند؟

وظیفه کمونیستها و افکار عمومی آزادیخواه در هر جای دنیا، ادامه فشار بر دولت اسرائیل در همین راستاست. ❀

اساس سوسیالیسم انسان است سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

## نه شیعه نه سنی، هویت فقط یک هویت انسانی

مصاحبه سمیر عادل، رئیس کنگره آزادی عراق با شماره ۴ نشریه کمونیست انگلیسی ترجمه: سعید کرامت

مارس ۲۰۰۶

کمونیست: برای وقتی که به این مصاحبه اختصاص داده اید متشکرم. در آستانه سومین سال اشغال، عراق بیشتر به سوی هرج مرج و بی قانونی پیش میرود. خطر یک جنگ همه جانبه جامعه را تهدید میکند. اوضاع از چه قرار است؟

سمیر عادل: اشغال همه چیز را ویران کرده است. به مدت سه سال ما شاهد عدم وجود دولت، خدمات اجتماعی و امنیت بوده ایم. فساد همه ادارات رادر بر گرفته است. جامعه امروزی عراق بیشتر شبیه جنگلی شده است که در آن باندهای دزد، شرور، سکت های قومی و مذهبی در روز روشن به قتل عام مردم بی گناه مشغول اند. خشونت های قومی و مذهبی که ما امروز شاهد هستیم تماما نتیجه اشغال است. شما شاهد بوده اید که چگونه انفجار یک مقبره مذهبی شیعه یک جنگ قومی را دامن زد و (برخلاف آنچه که اعلام شد) با عث مرگ ۲۰۰۰ نفر گشت. اگر از من بپرسید آیا مسئولین دولتی قدمی برای ممانعت از این جنگ بر داشته اند من می گویم آنها خودشان مسبب این جنگ هستند. انشقاق قومی در کنفرانس لندن (پیش از جنگ) برسمیت شناخته شد. در شورای دولتی موقت و در انتخابات برای تدوین قانون اساسی پذیرفته شد. طی انتخابات قانون اساسی تفاوت های قومی جنبه قانونیت به خود گرفت. ما بارها و بارها هشدار داده ایم

که یک جنگ اعلام نشده قومی در جریان است. هزاران جنایت بر علیه شهروندان عادی تنها به خاطر هویت قومی و یا مذهبی شان صورت گرفته است. این موج خشونت حتی قبل از حمله به مقبره مذهبی در جریان بود.

دستجات حاکم در قدرت هر یک سعی دارند که از واقعه انفجار مقبره به سود خود بهره برداری بکنند. درحالی که در ظاهر فراخوان آرامش میدهند، در خفا میلیشیای مسلح شان قتل عام سازمان میدهند. تعداد فراوانی انسان بی گناه که تنها از روی اسمشان تعلق مذهبی و سکتی شان حدس زده شده است، کشته شده اند. در حقیقت یک فاز سیاسی جدید شروع شده است.

اینها تنها اتفاقات نیست که بوقوع میپیوندد. جنایاتی که توسط نیروهای اشغالگر صورت میگیرد بخش دیگر این داستان است. مشکل اصلی جامعه عراق اشغالگری است. من بارها گفته ام استراتژی اسلام سیاسی برای شکست آمریکا در عراق، دامن زدن به هرج و مرج است. اسلام سیاسی تمایل دارد با حمله به محل کار کارگران منتسب به شیعه، بمبگذاری در بازارها، حمله به مساجد، کلیساها و کشتن مردم بی گناه جنگ فرقه ای را دامن بزند. اینها نمونه هایی هستند که نشان میدهد چطور اسلام سیاسی اهدافش را تعقیب میکند. اسلامی سیاسی چه شیعی و چه سنی یک استراتژی را تعقیب میکنند. اسلام سیاسی شیعی که توسط ایران حمایت میشود، سعی میکند که آمریکا را در بحران عراق غرق کند. اسلام سیاسی سنی که توسط زرقاوی نمایندگی میشود همان هدف را دنبال میکند و خشونتش را با مبارزه علیه اشغال توجیه میکند. فتوای شش ماه پیش

زرقاوی بخشی از این استراتژی بود.

علاوه بر این نیروهای آمریکائی روزانه دهها جنایت مرتکب میشوند. بدون دلیل مردم را باز داشت و شکنجه میکنند و تر و خشک را با هم میسوزانند. عراق امروز مواجه با دو مشکل اصلی است: اشغالگری، و عواقب آن که کشمکش های قومی است. پایان دادن به اشغال و تشکیل یک دولت غیر قومی و غیر مذهبی تنها راهی است که مانع فرو رفتن بیشتر جامعه عراق به درون چاه خواهد شد.

کمونیست: اختلافات قومی، مذهبی و قبیله ای تا چه اندازه عمیق هستند؟ این تفاوت آنقدر عمیق هستند که مردم همدیگر را بخاطر آن میکشند؟

سمیر عادل: کشمکش فرقه ای پایه اجتماعی در عراق ندارد. این اختلافات توسط چند باند گانگستر برای دست یابی به قدرت و ثروت بیشتر دامن زده شده است. این اختلافات در دروان اشغال طی سناریوهایی که بیشتر توضیح دادم، به جامعه تزریق شده است. جامعه عراق در کل اختلافات فرقه ای را نفی میکند. اما دستجات فرقه گرا در طول سه سال گذشته از هیچ کوششی برای برآوردن یک جنگ داخلی فرو گذار نبوده اند. اما بد جوری شکست خورده اند. عکس العمل در مقابل اتفاقات اخیر، توسط میلیشای صدر (نیروی شبه نظامی) بدر و وزارت کشور دامن زده شد. مردم عادی خود را درگیر این مسئله نکردند. نمونه دیگر اتفاقی بود که متعاقب واقعه پل کاظمیه افتاد. در آنجا ۱۰۰ نفر که همگی شیعه بودند جان خود را از دست دادند. ما شاهد بودیم که دهها جوان منتسب به سنی به رودخانه پریدند و تلاش کردن که غرق شده گان را نجات بدهند. این افراد وقتی

به نجات هممنوعانشان شتافتند به پیشنه قومی خود توجهی نکردند. همان اقدامشان فرقه شورای عالی انقلاب اسلامی عراق و صدر را شرمزاد کرد که بعدا فراخوان اتحاد بین شیعه و سنی را دادند. این ها وقعیاتی بود که اشاره کردم. هرچند نمی توان ادعا کرد که کشمکش های فرقه ای گسترش نخواهد یافت، و مردم را وادار به کشیدن اسلحه بر روی همدیگر نخواهد کرد.

به اندازه کافی گانگستر قومی و مذهبی (هم شیعی و هم سنی) موجود و آماده ارتکاب جنایات و تهیه سوخت و یک جنگ قومی سراسری هستند. مثال های متعددی نظیر آنچه که در کوساوا، روندا و لبنان گذشت نشان میدهد که گروه های قومی و فرقه ای ظرفیت بلاتی برای برآوردن یک جنگ داخلی و ویرانگر دارند.

کمونیست: مردم عادی عراق در مورد این شرایط چگونه فکر میکنند. نگرانی اصلی مردم در حال حاضر چیست؟

سمیر عادل: یک فضای ناامیدی و وحشت حاکم است. همه چیز در حالت اورژانس است و خشم از وضعیت موجود همه گیر است. در نتیجه ایجاد تنفر قومی و مذهبی که به جامعه تحمیل شده است نگرانی مردم و بی اعتمادی به همدیگر در حال گسترش است. ما یک اطلاعیه تحت عنوان "نه شیعه، نه سنی، هویت ما هویت انسانی" صادر کرده ایم که طبق گزارشاتی که به ما رسیده است مردم محلات و شهرهای مختلف آنرا باز تکثیر و وسیعا توزیع کرده اند. این نشان میدهد که مردم وضعیت جدید را تشخیص و آنرا رد میکنند. بنابراین جواب بخش دوم سئولاتان را وقتی میگویم مردم تماما نگران وضعیت

امنیت خود هستند، داده شده است.

کمونیست: کنگره آزادی عراق در شرایط سخت چه نقشی را بازی میکند یا میتواند بازی کند؟ الویت های فوری کنگره آزادی عراق چیست؟

سمیر عادل: همانطوری که شما اشاره کردید، شرایط خیلی سخت است. اما برای مقابله با این شرایط ما به گروهی احتیاج داریم که باور داشته باشند که تغییر این وضعیت و ممانعت از خون ریزی یک امر امکان پذیر است. من فکر میکنم که چنین کسانی موجود هستند. همان کسانی هستند که کنگره آزادی عراق را تشکیل داده اند. به دنبال کشتارهای فرقه ای اخیر ما یک کنفرانس مطبوعاتی با شرکت رسانه ها و میدیای داخلی و بین المللی داشته ایم و دو اطلاعیه منتشر کرده ایم که وسیعا توزیع شده اند. ما همچنین جلساتی را در محلات مختلف سازمان داده ایم و انگیزه و نیروی پشت کشتارهای مذهبی اخیر را افشا کرده ایم. فعالیت کنگره آزادی عراق با استقبال روبرو شده و خیلی ها را تشویق به پیوستن به صفوف ما کرده است. علاوه براین در منطقه زعفرانیه در بغداد ما مردم را برای تشکیل واحدهای مسلح به منظور دفاع از منطقه خود تشویق کرده ایم. اولین اولویت ما بوجود آوردن جامعه امنی است که همه کس بتواند بدون ترس در آن زندگی بکنند. این اولویت امروزی ما است. مدل زعفرانیه با شور و شوق زیاد مورد استقبال قرار گرفت. تعداد زیادی داوطلب قدم جلو گذاشته اند تا انرژی خود در خدمت به مردم بکار گیرند. ساکنین مناطق دیگر نمونه زعفرانیه را سرمشق خود قرار داده اند.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سو سیالیستی!



## اتحاد دانشجو - کارگر در اعتراضات اخیر فرانسه

بزرگترین اعتصاب کارگری ۸۰ سال اخیر برگزار شد که طبق آمار اتحادیه ها بیش از یک و نیم میلیون نفر از کارگران بخشهای مختلف در اعتراض به بالا بردن سن بازنشستگی از ۶۰ به ۶۵ سال در آن شرکت کردند. اعتصابی که باشکوهترین اعتصاب از دوران اعتراضات معدنچیان در انگلیس بوده است.

همزمانی این دو حرکت عظیم کارگری در دو کشور مهم سرمایه داری جهانی بار دیگر این سوال را مطرح کرد که آیا تا چه حد جنبش کارگری دنبال تست کردن راه حل‌های مختلف برای به دست گرفتن سرنوشت خود است؟ آیا طبقه کارگر در این جدال می تواند نه تنها از سنگرهای که سالهاست آنها را فتح کرده است، بلکه جلوتر برود یا بورژوازی جهانی موفق به باز پس گیری باز هم بیشتر آنها میشود؟

مبارزه طبقه کارگر علیه سلطه و تعرض سرمایه، یک مبارزه دائم "گاه آشکار و گاه پنهان" است و در این مقطع هم برای طبقه کارگر راهی جز تلاش برای تداوم قاطعانه تر و گسترده تر این مبارزه نیست. گارد تدافعی و حتی جا خوش کردن طبقه کارگر بر دست آوردهای پیشین و یا تبدیل شدن به نیروی ذخیره در رقابت بین احزاب پارلمانی دیگر جوابگو نیست. با توجه به رشد عظیم تکنولوژی و امکان بالقوه بهره مندی همه از آن، باید قدمهای جدی برای بدست گرفتن سرنوشت خود و جامعه برداشت. شرط ضروری پیشروی به سوی این هدف، اتحاد طبقه کارگر زیر پرچم حزب کمونیستی خودش است.

۳۰ مارس ۲۰۰۶

کوبنده در اعتصاب عمومی روز سه شنبه اوج سیاسی صریحی به خود گرفت و در آن شعار سرنگونی و برکناری دولت دو ویلپن وسیعا مطرح شد. از این جهت، جنبش جاری در افکار عمومی و رسانه ها بعنوان یاد آور اعتراضات

۱۹۶۸ فرانسه تلقی شد که رادیکالیسم آن توانست تأثیرات دیرپائی بجا بگذارد. این رادیکالیسم سیاسی که حاصل واقعی برخورد رادیکال و میلیتانتان بخش پیشرو طبقه کارگر و جنبش جوانان فرانسه است، توسط اتحادیه های کارگری وابسته به احزاب سوسیالیست و چپ در جهت کمپین انتخابات ریاست جمهوری سال آتی مورد بهره برداری قرار میگردد و هدایت میشود. انتخاباتی که در آن قرار است دو ویلپن، نخست وزیر کنونی، از طرف حزب دست راستی حاکم، یکی از کاندیدها باشد. اگر در این جدال معین طبقه کارگر و جنبش جوانان که زندگی آنها توسط دولت راست مورد هجوم قرار گرفته است، موفق به عقب راندن این قانون شوند، این پیروزی به برد حزب سوسیالیست در انتخابات آتی کمک خواهد کرد.

برای دولت کنونی این بزرگترین تست در مسیر اجرای سیاستهای اقتصادی است که در ضرب اول کم کردن بیمه های اجتماعی و بازگذاشتن هرچه بیشتر دست بخش خصوصی در تعرض به معیشت طبقه کارگر است. برجستگی این اعتراضات در میلیتانت بودن و ادامه کاری و بسیج توده ای گسترده آن است. همزمان، در انگلستان همسایه، فرانسه، هم



جمال کمانگر

اعتراضات اخیر که بدنیاال تصویب قانون جدید کار در فرانسه شروع شد، همچنان پر قدرت ادامه دارد. این جنبش اعتراضی روز سه شنبه ۲۸ مارس به اوج خود رسید و بیش از یک و نیم میلیون از مردم فرانسه که عمدتاً از دانشجویان و کارگران بودند خیابانهای فرانسه را به تصرف خود در آوردند و در موارد متعددی با پلیس ضد شورش درگیر شدند. جنگ و گریز خیابانی تا پاسی از شب ادامه داشت و دهها نفر دستگیر و یا زخمی شدند.

جوانان پرشور به لایحه و موادی از قانون کار اعتراض می کنند که طبق آنها دست کارفرما در اخراج جوانان زیر ۲۶ سال باز میشود. در چنین صورتی جوانان در دو سال اول میتوانند بدون دلیل از کار اخراج شوند. این در حالی است که بیشترین رقم بیکاری یعنی بیش از ۲۰ درصد در میان گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال وجود دارد. اتحادیه های کارگری و دانشجویی اعلام کرده اند که شرط خانمه دادن به اعتراضات پس گرفتن این لایحه و لغای آن توسط دولت دومینیک دو ویلپن است. این جدال و اعتراضات

جهانی کرد. چندین هیئت از کشورهای مختلف در این کنفرانس شرکت کرده بودند. نمایندگانی از "اتحاد برای صلح و عدالت" از آمریکا، (بزرگتری عضو ائتلاف بر علیه جنگ است که ۱۵۰۰ سازمان را نمایندگی میکند)، حزب سوسیالیست شیکاگو، و نمایندگانی از کره جنوبی، فلپین و اندونزی در این کنفرانس شرکت کرده بودند.

کنفرانس دو قطعنامه مهم را بتصویب رساند. قطعنامه اول در مورد حمایت از کنگره آزادی عراق و سازمان دادن

شعباتش در نقاط مختلف دنیا بود. قطعنامه همچنین خواهان تقویت جنبش ضد جنگ در سطح دنیا شد. قطعنامه دوم در مورد تلاش برای راه انداختن یک کانال تلویزیونی ماهواره ای برای تبلیغ اهداف و سیاست های کنگره آزادی عراق بود. این کنفرانس یک قدم بزرگ در مبارزه با اشغال، تروریسم و کشمکشهای قومی بود. حمایت مالی و معنوی از این جنبش را تقویت و از جانب مردم عراق مورد استقبال است. چنین حمایت هایی باعث تقویت روحیه فعالین این جنبش میشود و از طرفی دیگر سبب خواهد شد مردم در جنگ با اشغالگری و تروریسم خود را تنها نبینند. هر دست آوردی در خارج قابل تقدیر و در داخل کشور موثر است. عکس این قضیه هم صادق است. جامعه انسانی از ما انتظار دارد که بانی پیشروهای وسیع و تقویت کننده جنبشهای مترقی در دنیا باشیم. من متعقدم تنها یک نیرو در عراق قادر به خاتمه جنگ و اشغال است آن هم کنگره آزادی عراق است. کنفرانس ژاپن اولین قدم در این راه بود. و این یک قدم بزرگ در مسیر سازمان دادن یک جامعه غیر قومی و غیر مذهبی بود.

انسان طبیعتاً تمایل دارد برای زنده ماندن امنیت خود را حفظ کند. کنگره آزادی عراق با استفاده از این گزینه میتواند امنیت را که توسط آمریکا و گروههای اسلامی از بین رفته، باز گرداند. از طرف دیگر در غیاب کنگره آزادی عراق، جامعه میتواند بسوی یک پاکسازی تمام عیار قومی سوق پیدا کند.

کمونیست: پیامتان برای مردم مترقی خارج از عراق چیست؟ چگونه ما میتوانیم کمک کنیم؟

سمیر عادل: عراق تبدیل به یک میدان نبرد جهانی شده است. در این کشور یک جدال عمیق بین دو قطب در جریان است: از یک طرف آمریکا به رهبری غرب و از سوی دیگر اسلام سیاسی که مورد حمایت ایران، عربستان سعودی و مافیای اسلامی در اطراف دنیا. پایان دادن به اشغال و منزوی کردن اسلام سیاسی در عراق هدف اصلی کنگره آزادی عراق است. از آنجا که کنگره آزادی عراق بخشی از جبهه آزادیخواه و انساندوست در سطح دنیا است، پایان دادن به وضعیت درد آور عراق کنونی بدون حمایت این جبهه بسیار مشکل است. آنچه که در عراق در جریان است، ادامه اتفاقات ۱۱ سپتامبر در آمریکا و ۷ جولای لندن است. هزاران نفری گناه در اثر این کشمکشها و اقدامات بی رحمانه کشته شده اند، در نتیجه شکست هردو قطب یک پیروزی بزرگ برای جامعه انسانی در اقصا نقاط جهان خواهد بود.

کنگره آزادی عراق در جهت جلب افکار بین المللی بخود، پیشروی مهمی کرده است. کنفرانس بین المللی اخبری که در ژانویه در ژاپن برگزار شد، کنگره آزادی عراق را تبدیل به یک پدیده

به حکمتیست ها پیوندید!